

# مبحث اول: ایمان (۱)

سوالات:

- ۱- رابطه ایمان و اطاعت چیست؟
- ۲- مهم ترین شرط برای ایفای مسئولیت ها چیست؟
- ۳- انسان متقی چه ویژگی هایی دارد؟

بسم الله الرحمن الرحيم

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۳۲) وَ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (۱۳۳) الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳۴)

سوره مبارکه آل عمران

مسئولیت پذیری مسلمان و تقوا

رهبانیون مسیحیت، برای اینکه دامانشان به گناهان آلوده نشود، رهبانیت پیشه کردند؛ به غارها و کوه ها و بیغوله ها پناهنده شدند. قرآن می فرماید: «وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ» رهبانیتی که آنان از خود درآوردند، به صورت بدعتی آن را ایجاد کردند؛ ما بر آنان رهبانیت را ننوشته بودیم؛ اما عالم اسلامی رهبانیت ندارد، گوشه گیری ندارد، فرار ندارد.

عالم اسلامی همانی است که سعی می کند که بگیرد غریق را. یک فرد آگاه مسلمان، هر انسان مسلمان که مسلمان بودن و مسئول بودن با یکدیگر لازم و ملزوم هستند همین جور است؛ سعی می کند غریق را، و بازده را، بیمار را، نجات بدهد؛ اینکه با فرار جور در نمی آید. خودش را متقی می کند، دارای تقوا؛ یعنی آن تجهیز لازم را، آن زره لازم را، در مقابل آسیب گناه بر تن می پوشد و وارد منطقه گناه می شود، برای دستگیری گناهکاران؛ تقوا این است.

رستگاری؛ نتیجه تقوا

وقتی که این معنای تقوا شد، آیا تقوا مقدمه و وسیله‌ای برای پیروزی هست یا نیست؟ می‌بینید که خیلی آسان، وسیله پیروزی است. آن کسی که می‌خواهد بر این بیماری، در این منطقه پیروز بشود، اگر همواره بترسد که مبادا این میکروب در جسم او اثر بگذارد، این چطور می‌تواند میکروب زده‌ها و وبازده‌ها را نجات بدهد؟ باید خودش را خاطر جمع کرده باشد؛ باید از خودش خاطرش جمع باشد، بعد وارد منطقه وبازده بشود و دیگران را نجات بدهد؛ آن وقت است که به پیروزی هم خواهد رسید. آن وقت است که این کار را هم به راحتی انجام خواهد داد. «وَأَتَّقُوا اللَّهَ» تقوای خدا پیشه کنید، «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» مگر پیروزمند و رستگار و موفق گردید.

## اطاعت

... «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» اطاعت کنید از الله و از پیامبر، شاید مورد رحمت پروردگار قرار بگیرید. خب اطاعت از خدا با اطاعت از پیغمبر تفاوتی ندارد، به چه مناسبت می‌فرماید که اطاعت کنید از خدا و اطاعت کنید از پیامبر؟ هر دو تا را باهم، زائد نیست ذکر کردنش؟ نه. اگر چنانچه فقط بگویید «أَطِيعُوا اللَّهَ» اطاعت کنید از خدا، پیغمبر را به عنوان مصداق و نمونه‌ای ذکر نکند و اطاعت از پیغمبر را متذکر نگردد، آن کسانی هم که در نقطه مقابل پیغمبر قرار دارند، ممکن است ادعا کنند ما داریم اطاعت از خدا می‌کنیم. دامنه ادعا که وسیع است، همه کس می‌تواند داعیه دین و ایمان و تقوا را علنی کند. همه کس می‌تواند مدعی بشوند که بنده خدایند و مطیع او. در زمان پیغمبر، هم پیغمبر مدعی عبودیت و اطاعت خدا بود، هم آن کسانی که در جبهه مقابل او، با او می‌جنگیدند، اخلاص می‌کردند، رهبران و آقایان و رهبانان مسیحیت و احبار یهود، این‌ها هم ادعا می‌کردند.

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ»، یک‌ذره هم بالاتر از پیغمبر، او می‌گفت من بنده خدا هستم، این‌ها می‌گفتند ما فرزندان و پسران خدا هستیم. اگر نمی‌گفت پیامبر را، دشمنان پیامبر هم می‌گفتند ما مطیع خداییم؛ لذا بایستی مشخص بشود که اطاعت خدا یعنی چه. ...

## رحمت خدا؛ نتیجه اطاعت

رحم خدا یعنی چه؟ مورد رحم خدا قرار گرفتن یعنی چه؟ اینجا یک مقایسه‌ای بکنید بین بیان قرآن و پندار عامیانه ما. ما می‌گوییم که اگر گناهکاریم، اگر نافرمانی خدا کردیم، اگر به واجبات و تعهدات و تکالیف عمل نکردیم، اگر چنانچه از منطقه‌های ممنوعه پروردگار پا عقب نکشیدیم؛ فقط یک امیدواری داریم، آن چیست؟ آن رحم خداست. خدا با رحمتش با ما عمل کند، خدا ما را

رحم کند، این داعیه و حرف ماست؛ یعنی حرف معمول اجتماع ما و مردم ما این است. رحمت خدا را برای کجا می‌دانیم؟ برای آنجا که عمل نکردیم، در صورتی که نافرمانی کردیم، در صورتی که منطقه ممنوعه خدا را زیر پا لگدکوب کردیم، مسئولیت و تعهد الهی را ملاحظه نداشتیم؛ در یک چنین صورت‌هایی می‌گوییم: ما که عمل نداریم، مگر خدا رحمان کند. ... رحمت پروردگار را، رقیب عمل کردن و جایگزین عمل کردن می‌دانیم.

آیه قرآن بالعکس است؛ می‌گوید عمل کنید، اطاعت کنید، شاید مورد رحمت پروردگار قرار بگیرید. رحمت خدا آن‌وقتی است که یک ملتی به مسئولیتش عمل کند. خدا آن‌وقتی به مردمی رحم می‌کند که او را اطاعت کنند، تکالیف خود را انجام بدهند. هفت صد میلیون مسلمان بنشینید به انتظار ابر رحمت پروردگاری که بر سرشان بیارد، آن‌وقت راه‌ها را باز کنند تا دزدان ناموس و غارتگران دین بیایند همه چیزشان را ببرد؛ به امید رحمت خدا بنشینند؟ پس بگو بنشینند حالا!

... مؤمنین آن کسانی هستند که وقتی میان آنان مشاجره‌ای به وقوع می‌پیوندد، به توای پیامبر رجوع می‌کنند، مراجعه می‌کنند و چون تو حکمی صادر کردی، «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ» دستوری که تو صادر کردی، کمترین غبار کدورتی هم بر روح آن‌ها و دل آن‌ها بر جای نمی‌گذارد، «وَيَسْلَمُوا تَسْلِيمًا» تسلیم فرمان تو اند. مؤمن واقعی این جور است. ...

### مغفرت الهی

«وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»، میدان مسابقه است اینجا، میدان پیشی‌گیری و مسارعه است. پیشی بجوید، سبقت بجوید «الی مغفره» به سوی مغفرتی «مِن رَّبِّكُمْ» از سوی پروردگارتان «و جنه» و بهشتی که «عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» که به پهنای آسمان‌ها و زمین است، «أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» آماده شده است برای باتقویان. آنجا یک نشانه تقوا و یک نتیجه تقوا ذکر شد، اینجا نشانه‌های تقوا پی‌درپی ذکر خواهد شد.

ای انسانی که برای یک وجب زمین و یک مقدار آب و گل در فلان منطقه عالم، حاضری سبقت‌بگیری، حاضری دیگران را عقب‌بگذاری، حاضری تمام قوا و نیروهایت را به کار بزنی، استخدام کنی تا بتوانی در مزایده فلان زمین، در به دست آوردن فلان سرمایه، در تصرف کردن فلان مغازه، در گرفتن فلان گوشه فلان مملکت، در دائر کردن فلان کمپانی در فلان منطقه عالم، در تحصیل امتیازات مادی هر چه بیشتر؛ برای این‌ها حاضری مسابقه بدهی، سرعت‌بگیری، دیگران را عقب‌بگذاری، اگرچه شرافت‌ها و فضیلت‌ها را هم زیر پا گذاشته باشی، ای انسان! به تو نمی‌گویند سرعت‌مگیر، به تو نمی‌گویند در خانه بخواب، نیروهایت را به کار مزن؛ آن کسی که به نام دین به

تو این سخن را می گوید، دروغ می گوید و نمی داند. دین نمی گوید نیروهایت را متوقف بگذار، دین می گوید سرعت بگیر هر چه بیشتر، مسابقه بده هر چه زیادتر، اما به سوی چه؟ به سوی چیزی که شایسته توست، نه به سوی یک وجب آب و گل، نه به سوی فلان مبلغ ناچیز، نه به سوی زندگی مادی دنیا که هر چه باشد، برای تو کوچک و کم است. ای انسان بزرگ! به سوی چیزی که با عظمت تو، با مقام تو سازگار باشد که انسان عالی ترین موجودات این جهان است، بزرگ ترین عظمت های وجود، بعد از پروردگار، در همین کالبد کوچک و محدود است ای انسان بزرگ، سرعت بگیر، مسابقه بده، اما به سوی چه؟ «إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ». سرعتت به سوی مغفرت پروردگار باشد، به سوی آن بهشت برین الهی باشد که همه آسمان ها در مقابل آن کوچک اند، همه زمین در برابر آن اندک است. ... از همه چیز بالاتر مغفرت است و پس از مغفرت آن چیزی که ارزش و عظمتش از آسمان ها و زمین بالاتر است.

مغفرت یعنی چه؟ ما دیدیم؛ به فلانی گفتیم آقا معذرت می خواهم، یک دشنامی به شما دادم، من را ببخشید. او هم با ناز و کبری، یا با خوش اخلاقی و لطفی، به هر صورتی، گفت خیلی خب صرف نظر کردیم. ... خیال کردیم غفران الهی هم از قبیل این بخشش هاست. فلان کس ظلم کرده، جنایت کرده، گناه کرده، در زمین فساد آفریده و برانگیخته، مستوجب عذاب خداست؛ بعد روز قیامت به خاطر قطره اشکی که او داشته است یا توجه و توسلی که او کرده است، خدا بگوید خیلی خب، حالا که این جور شد ما هم از سر خطایای تو گذشتیم، تو را بخشیدیم. مغفرت خدا این است؟ «سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ» این را می گوید؟ نه.

... غفران یعنی التیام دادن و پر کردن یک خلأ. بدن شما یک جراحی برمی دارد؛ این ران، این بازو، یک جراحی عمیقی برمی دارد، این لای گوشت از هم باز می شود؛ اینجا مرهمی به شما می دهند ... تا این می جوشد تا این می تراود، می زاید تا بالاخره هم جنس خود را، آن گوشت بدن، آن ماهیچه بدن، هم سنخ خود را کنار خود به وجود می آورد. ...

روح شما اگر در مقام تمثیل، مانند جسمی باشد، هر گناهی که انجام می دهید، ضربتی بر روح وارد می کند و زخمی به وجود می آورد. چرا آقا؟ چرا می گوئیم گناه ضربت بر روح است؟ برای خاطر اینکه روح باید تعالی پیدا کند و گناه، هر آن چیزی است که روح انسانی را یک گام از تعالی و تکامل مورد نظرش بازمی دارد. ... این گناه حالا باید مغفرت پیدا کند.

غفران یعنی چه؟ غفران یعنی این خلأ، این کمبود روح، این زخم روان، این نقیصه ای که در نفس او به وجود آمده است، این برطرف شود، این را می گویند غفران. چه جوری برطرف می شود؟

چه جوری برطرف می‌شود آن نقیصه‌ای که در روح تو از سوی گناه به وجود آمده؟ با جبران کردن. آن کسی که با یک گناهی جان خود را از اوج انسانیت و تکامل و نقطه پرواز انسانی یک قدری منحط کرده و دور انداخته، آن وقتی این عقب‌ماندگی‌اش جبران شده است که یک مقداری برود بالا.

یک مثال دیگر بزنم. سوار ماشین شدید، دارید می‌روید سر پنجاه فرسخی. اگر این ماشین در راه توقف کرد، شما چه شدید؟ عقب افتادی. جبران این عقب‌ماندگی به چیست؟ به اینکه یک خرده تندتر بروید، یک خرده بی‌وقفه‌تر بروید. ...

خدای متعال نمی‌گوید چون تو گناه کردی، حالا هرچه کار نیک بکنی، ما آن گناه را اصلاً از بین نخواهیم برد، لاج‌نمی‌کند خدا. ... «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ» ما غافریم، ما خلأها را پر می‌کنیم، زخم‌ها را التیام می‌دهیم، اما برای چه کسی؟ «لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»، من بخشنده‌ام برای آن که توبه کند. توبه کند یعنی چه؟ یعنی برگردد. راه تکامل شما از اینجا بود، شما این طرفی می‌رفتید؛ حاضریم شما را ببخشیم، کی؟ وقتی بروید به طرف تکامل، مجدداً به راه درست برگردید. «لِمَنْ تَابَ» توبه کند، یعنی برگردد. توبه یعنی برگشتن. ایمان خود را قوی کند، عمل صالح کند. نباید از عمل غافل بود و به سخن گفتن و دل‌خوش داشتن خود بسنده کرد.

بنابراین مغفرت یعنی پر کردن آن خلأهایی که زخم‌های روح انسان‌اند، با پر کردن آن‌ها انسان به کمال می‌رسد. این، شایسته است که انسان در راهش کوشش کند، مسابقه بدهد، سرعت بگیرد. مغفرت خیلی مهم است ...

## نشانه‌های تقوا

### ۱- انفاق

... چه کسانی هستند باتقویان؟ «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ» آن کسانی که انفاق می‌کنند در خوشی و ناخوشی. این یک شرط باتقوا بودن است، انفاق کردن است. انفاق را هم باز چند بار تا حالا معنا کردم. عیبی ندارد این‌ها را تکرار کنیم. چون این‌ها حرف‌هایی است که غالباً تازه‌تازه به گوش شما می‌رسد، هر چه تکرار بشود، بیشتر در دل می‌ماند و چه بهتر. انفاق با خرج کردن فرق دارد. خرج کردن یعنی اینکه انسان یک پولی را خرج کند. انفاق خرج کردن است، اما نه هر خرج کردنی. انفاق آن خرج کردنی را می‌گویند که با آن، یک خلأئی پر بشود، یک نیاز راستینی برآورده بشود. کجایند آن کسانی که میلیون‌ها خرج می‌کنند، به ظاهر هم برای کارهای نیک خرج می‌کنند تا از زبان قرآن به آن‌ها بگوییم که بدبخت‌ترین مردم‌اند، زیرا کارشان انفاق نیست. «قُلْ هَلْ

نَبِّئِكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا \* الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا. این پول هایی که خرج می شود، این زر و زیورهایی که بر پیکر گرسنه یک عده مردم آویخته می شود، این پیرایه های زیادی و دروغین؛ این ها انفاق نیست، چرا؟ چون خلائی را پر نمی کند.

... گاهی پر کردن شکم گرسنه هم انفاق نیست، در یک شرایطی این جور است. در آن شرایطی که فقر و گرسنگی مانند گیاه هرزه ای، بی حساب دارد بر روی زمین ها می روید، آنجا پر کردن شکم یک گرسنه مثل قیچی کردن پیکره بالای یک دانه علف هرزه است. در صحرا علف هرزه چقدر قیمت دارد؟ بالاخره از جلوی چشم، یک گیاه هرزه کم می شود، اما چقدر این کار اساسی است؟ چقدر جالب است این کار؟ خیلی کم و ناچیز.

بنابراین انفاق آن چیزی است که یک خلائی را پر می کند. یک نیازی را برآورده می کند. ... انفاق کار مردمان باهوش است. آنهایی که خلأها و نیازها را می فهمند و حاضر می شوند به جا آن خلأها و نیازها را پر کنند. ...

## ۲- کظم غیظ

«وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» و فرورندگان خشم. فرورندگان خشم یعنی چه؟ یعنی بر اساس احساسات کار نمی کنند، همه جا عقل؛ اما گاهی عقل هم با خشم های درست همراه است، نمی بینید در قرآن می گوید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». اینی که می گویند «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» معنایش این نیست که شما خیال کنید می خواهیم بگویم خشم یک ملت، خشم یک انسان، خشم یک جامعه، علیه آن کسانی که باید بر آنان خشم گرفت، نیست و نابود باد، نه. قرآن هم نمی گوید که این خشم ها را فروبخورید، می گوید بر اساس خشم، کاری انجام ندهید. «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» کظم کنندگان، فرورندگان. نه فراموش کنندگان؛ فرورندگان غیظ و خشم؛ که وقتی خشم فرونشست، انسان می تواند باعقل، با درک، آنچه را که شایسته است انجام بدهد.

## ۳- چشم پوشی از خطای مردم

«وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» گذرندگان از مردم، عفو کنندگان از خطاهای مردم. از اشتباهات مردم، از خطاهای مردم، از گناهان مردم، از لغزش های مردم باید گذشت، باید صرف نظر کرد. از آن گناهی نباید صرف نظر کرد که لغزش نبوده است. خدا هم از یک چنین گناهی مشکل صرف نظر بکند. از آن عمل خلافی نباید صرف نظر کرد که از روی تعمد و عناد انجام گرفته است، اما لغزش ها،

قصورها که در کار عامه مردم فراوان هست، قابل گذشتن و عفو کردن است. «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» و خدا دوست می‌دارد مردمان احسان کننده را.

#### ۴- یاد خدا و استغفار

دیگر از نشانه‌های باتقواها چیست؟ «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ» آن کسانی که چون گناه بزرگی انجام دهند، یا بر خویشتن ستم کنند، «أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» بر نفس‌های خود ظلم روا بدارند، «ذَكَرُوا اللَّهَ» فوراً به یاد خدا بیفتند. در وادی غفلت، زیر سرپوش غفلت، دیر نپایند. یک آیه‌ای است، خیلی عجیب است در قرآن، در زمینه تذکر پیدا کردن؛ «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا»، این هم برای باتقواهاست اتفاقاً، «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا» وقتی یک گروه شیطان با آن معنای وسیعی که شیطان دارد وقتی یک گروهی شیطان و شیطان‌صفت او را احاطه می‌کنند تا گمراه کنند تا از راه به در ببرند تا او را به فراموشی بیندازند، «ذَكَرُوا اللَّهَ» فوراً به یاد خدا بیفتد انسان.

یاد خدا یک چنین چیزی است. یاد خدا حربه‌ای است در دست ما علیه شیطان‌ها، یاد خدا ریسمانی است در اختیار ما، برای نجات از ورطه‌ای که دشمنان هوشیاری ما، در برابر ما به وجود آورده‌اند. یاد خدا خیلی چیز ارزشمند و قیمتی است.

«ذَكَرُوا اللَّهَ» چون کار خلافی بکنند یا بر خویشتن ظلم بکنند، خدا را به یاد می‌آورند. «فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ» پس طلب غفران و مغفرت می‌کنند برای گناهانشان، در جستجو می‌آیند که این گناه، این خلأ التیام پیدا کند، اما همین هم بدون کمک پروردگار ممکن نیست. «وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ» و چه کسی غفران و مغفرت می‌بخشد گناهان را به جز خدا؟

#### ۵- عدم اصرار بر گناه

تلاش از تو و حرکت از تو و برکت از خدا؛ تلاش و کوشش از ما و قبول از خدای ما. پس تلاش را از پرونده خودمان، حق نداریم حذف کنیم. «وَلَمْ يَصِرْوا عَلٰی مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» بر آنچه که می‌دانند گناه است، اصراری نوزند. «أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ» این چنین کسانی که از تلاش و کوشش باز نمی‌ایستند، استغفار می‌کنند برای گناهان، اصرار نمی‌ورزند در راه خطا و خلاف؛ این چنین آدم‌هایی پاداششان مغفرت از سوی پروردگارشان است. «وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» و بهشت‌هایی که در زیر آن نهرها جاری است، «خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» در آن جاودانه‌اند و چه نیکو پاداش عمل کنندگان است. باز اینجا می‌گوید پاداش عمل کنندگان، «أَجْرُ الْعَامِلِينَ». مسأله عمل یکی از مسائل بسیار مهم است. ...

## نگاهی گذرا به مبحث اول

پذیرش اسلام (ایمان) ملازم سلسله تعهدات و مجموعه مسئولیت‌هایی (اطاعت) است که برای انجام آن نیازمند مجهز شدن به سلاح تقوا است. حرکت در این مسیر با لغزش‌هایی همراه است که غفران و رحمت الهی التیام دهنده این لغزش‌هاست. مهم‌ترین ثمره حرکت در مسیر ایمان و التزام به تعهدات، سعادت الهی است.